

اصول اخلاق اجتماعی در بوستان سعدی

فاطمه عظمت مدار^۱

دکتر رضاعلی نوروزی^۲

دکتر حسنعلی بختیارنصرآبادی^۳



چکیده

سعدی از بزرگترین ادبیان ایرانی و مریبان بزرگ اجتماعی است که «بوستان» را در سال ۶۵۵ ه.ق تألیف کرد. این اثر به دلیل آن که حاوی حکایات و آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی فراوان است، یکی از بزرگترین منابع در زمینه‌ی تعلیم و تربیت به شمار می‌رود.

هدف از پژوهش فوق بازگشت به منابع فرهنگی و ادبی گذشته و معروفی آراء سعدی به عنوان یکی از مریبان دست‌پرورده‌ی مکتب اسلام در زمینه‌ی اصول اخلاق اجتماعی می‌باشد که به منظور دست‌یابی به هدف فوق با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی و تحلیل اسنادی اشعار و حکایات وی در بوستان پرداختیم که در نتیجه‌گیری نهایی اصولی از قبیل عدالت، تواضع، حفظ زبان، امر به معروف و نهی از منکر، خوی نیکو، خدمت به خلق، تغافل و احسان با ذکر ایاتی از بوستان دسته‌بندی و بررسی گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
برای ادامه علوم انسانی

واژه گان کلیدی: سعدی، اخلاق اجتماعی، بوستان، حفظ زبان.

مقدمه

اfrican المتكلمين شیخ مصلح الدین مشرف الدین شیرازی متخلص به سعدی بی تردید بزرگ‌ترین شاعری است که بعد از فردوسی، ادبیات فارسی را به نور خیره‌کننده‌ی نظم و نثر خویش روشن ساخته است و این روشنی چنان با نیرو و قدرت است که هنوز پس از گذشت هفت قرن، تابناک و روشن باقی مانده است. سال تولد او در شهر زیبا و نشاط‌انگیز شیراز به درستی مشخص نیست، ولی تولد او را سال ۶۰۶ هجری تخمین زده‌اند.

مؤید شیرازی درباره‌ی او می‌گوید: سخن از سعدی است؛ مرد هزار چهره‌ای که هر کس از هر طبقه‌ای و هر گروهی که باشد، از آشنایی و الفت با او ناگزیر است. ایرانی در کودکی با سعدی راه می‌رود، در جوانی همراه با او با عشق آشنا می‌شود، در میان‌سالی با شیوه‌ی او به خانه و اجتماع می‌پردازد و در پیری با او پای به عالم خردمندی و عبرت می‌گذارد. اگر اهل سیاست بودیم، سعدی با ما به رایزنی می‌پردازد، اگر سپاهی بودیم، به ما آیین سلحشوری می‌آموزد، اگر کاسب بودیم با ما از دخل و خرج می‌گوید و اگر صوفی بودیم، با ما به چله نشینی و ریاضت می‌نشینند. (مؤید شیرازی، ۱۳۷۶: ۱). «شاید بتوان گفت سعدی نه تنها در زبان فارسی بلکه در هیچ زبانی از جهت فصاحت و بلاغت و روایی و زیبایی و دلربایی و حکمت و معرفت، مثل و مانند ندارد» (فروغی، ۱۳۵۶: ۱۹۷). جاودانگی وی نه تنها به سحرانگیزی بیانش مربوط است، بلکه به محتوی پرمعنی و عالمانه‌ی کلامش نیز وابسته است و به قول ضیاء موحد «سعدی، زبان فارسی است و جادوی زبان فارسی» (موحد، ۱۳۷۴: ۲۲).

«بوستان» یا «سعدی‌نامه»، اولین اثر هنری سعدی است که از شاهکارهای بی‌رقیب و شاید کامل‌ترین منظومه‌های اخلاقی است. سرودن این اثر در سال ۶۵۵ ه.ق. بوده که در ده باب (عدل، احسان، عشق، تواضع، رضا، ذکر، تربیت، شکر، توبه، مناجات) و

در قالب مثنوی تنظیم گردیده است.

آثار سعدی و از جمله بوستان به لحاظ محتوا شامل مضامین بلند تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... است که تأمل در آنها دلالت‌های مهمی را برای تربیت خواهند داشت. در حقیقت شاید بتوان گفت که وی بزرگ‌ترین شاعر اخلاق و تربیت است که از طبع خلاق و اطلاعات وسیع خود به نحو شایسته‌ای در این راه استفاده کرده است. وی شاعری است که تعلیم اخلاق می‌دهد. تعلیم دهنده اخلاق به معنی دقیق کلمه، یعنی مصنّفی است که رسوم، عادات، افعال و خلقیات افراد جامعه‌ی خویش را مطالعه می‌کند و از همه مشاهدات و مطالعات، اندیشه‌ها و اصول عمومی را به دست می‌دهد که بیش از هر چیز جنبه‌ی عملی دارد.

در این مقاله در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که سعدی در بوستان، اصول اخلاق اجتماعی را چگونه ترسیم نموده است، تا افراد با رعایت آن اصول همزیستی مسالمت‌آمیزی را در کنار یکدیگر داشته باشند. علت انتخاب کتاب بوستان در میان کلیات سعدی این است که وی جامعه‌ی آرمانی مورد نظر خویش را در کتاب بوستان به تصویر کشیده است. منظومه بوستان، که زاده‌ی خیال و جهان آرمانی و مطلوب سعدی است، آکنده از نیکی و پاکی و ایمان و صفات؛ و او انسان را در این اثر آن‌گونه که باید باشد به مدینه‌ی فاضله و آرمان‌شهری از اخلاق و فضیلت رهبری می‌کند. سعدی در ابواب ده‌گانه «بوستان»، سیمایی یک انسان نمونه‌ی آرمانی را ترسیم می‌کند و انسان‌ها را به سوی صلاح هدایت کرده و به ترویج فضایل اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد (ریپکا، ۱۳۶۹: ۶۷). بنا به گفته‌ی غلامحسین یوسفی در مقدمه بوستان «سعدی مدینه‌ی فاضله‌ای را که می‌جسته در بوستان تصویر کرده است. جهان بوستان همه نیکی است و پاکی و دادگری و انسانیت؛ یعنی عالم چنان‌که باید باشد و به قول مولوی (شربت اندر شربت)» (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۷). از دیگر امتیازات «بوستان»،

نتیجه‌گیری هنرمندانه‌ی سعدی است؛ چراکه او افکار عالی اخلاقی و اجتماعی را به صورت داستان بیان نموده و در هر حکایت هدف و غرض خاصی را دنبال می‌کند و برای افزایش تأثیر کلام خود، داستان‌های اخلاقی را در لباسی از هنر به جلوه می‌آورد و با پایانی شایسته، نتیجه‌ی نهایی را به شیوه‌ی می‌آراید. (حسن‌لی، ۱۳۸۱: ۳۶).

«مطلوب اخلاقی و ملاحظه‌های اجتماعی، پندها و دستورالعمل‌های زندگانی و خلاصه آنچه بوستان را از حیث معنی بلند و گرانمایه می‌کند، شاید خیلی ابتکاری نباشد و گویندگان دیگر گفته باشند، ولی سبک فصیح و بلیغ سعدی بر آنها لباس برازنده‌ای پوشانیده است که در هیچ یک از آثار استادان پیشین جلوه نمی‌کند. بوستان از حیث مطلب پرمایه‌ترین آثار سعدی است. در خلال آن بلندی مقصد، استواری فکر، نشر فضایل روحی و اجتماعی و بالجمله روح بزرگوار وی هویدا می‌شود» (دشتی، بی‌تا: ۲۸۷).

ضرورت پرداختن به موضوع فوق از این جهت است که انسان موجودی اجتماعی است که بدون مشارکت با دیگران و ایجاد اجتماعات انسانی قادر به ادامه‌ی زندگی و به عبارتی، پیشرفت و ترقی نخواهد بود. اما از یک سو تحقق این زندگی اجتماعی نیازمند به شرایط خاصی است که بدون رعایت آنها، دوام و بقای جوامع بشری با تنش و چالش رو برو می‌شود و از سوی دیگر انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی است که در بعد روحانی خود به طور ذاتی و فطری دارای تمایلات و گرایی‌های اخلاقی می‌باشد که این گرایشها اگر به صورت صحیحی جهت دهی و تربیت شوند، حیات فردی و اجتماعی سعادتمندانه‌ای خواهد داشت.

خداآوند در سوره‌ی جمعه به بیان اهمیت اخلاق پرداخته می‌فرماید: «اوست خدایی که در میان عرب بی‌سواد امی پیغمبری بزرگوار برانگیخت تا بر آنان آیات خداوند را تلاوت کند و از لوث جهل و اخلاق رشت پاک سازد و کتاب و حکمت الهی به آنان بیاموزد، با آن که پیش از این، همه در جهالت و گمراهی آشکار بودند.» (جمعه/۲).

در نگرش اسلامی، اخلاق از برجسته‌ترین عناصر تکوین شخصیت انسان محسوب می‌شود و نقش و جایگاه ارزنده‌ای در ساختار تربیت و فرهنگ اسلامی دارد، تا جایی که پیامبر(ص) هدف از رسالت خویش را تتمیم اخلاق می‌داند: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»(حائری تهرانی، ۱۳۷۳: ۳۵).

به دلیل اهمیت این موضوع، شاعران برجسته‌ی فارسی نیز، بخش عمدہ‌ای از چکیده‌ی احساس و اندیشه‌ی خود را به اخلاق اختصاص داده‌اند.

بررسی پیشینه تحقیقات حاکی از آن است که علی‌رغم اهتمام سعدی به موضوع اخلاق اجتماعی در بوستان، تقریباً می‌توان گفت که هیچ پژوهشی به‌طور مستقل به این عنوان نپرداخته‌است و تنها به صورت پراکنده ابیاتی حاوی این مضمون در برخی مقالات وجود دارد که تعداد آنها نیز چشمگیر نیست و با توجه به این مسئله نیز، ضرورت پرداختن به موضوع فوق بیشتر آشکار می‌گردد.

بنابراین هدف در این نوشتار بازگشت به منابع فرهنگی و ادبی و کشف و استخراج گنجینه‌های به یادگار مانده از گذشته و معرفی آراء یکی از مریبان دست‌پروردگاری مکتب اسلام در زمینه اخلاق اجتماعی می‌باشد که به منظور دست‌یابی به هدف فوق، پس از معناشناسی واژه‌ی اخلاق اجتماعی، نظری کوتاه به دیدگاه سعدی در این باره می‌افکنیم و سپس به بررسی مهمترین اصول اخلاق اجتماعی در نگاه و اندیشه‌ی اوی می‌پردازیم. لازم به ذکر است که با توجه به تأثیرپذیری سعدی از قرآن، نهج‌البلاغه و احادیث ائمه(آزادی، ۱۳۷۳: ۳۳-۳۸) هرجا که کلام اقتضاء نماید، از آیات قرآن و احادیث ائمه نیز در ذیل اصول استفاده شده‌است.

معناشناسی واژه‌ی اخلاق اجتماعی

«اخلاق» جمع «خلق» است و خلق به معنای صفات و ملکات نفسانی که به

واسطه‌ی آن ملکه، فعل به آسانی از انسان سر می‌زند، حال چه آن ملکه از رذایل باشد و چه از فضایل، ولی اگر اخلاق به صورت مطلق ذکر شود، خلق نیکو و فضیلت از آن فهمیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۶۱۸-۶۱۹).

اخلاق فردی عبارت است از تهذیب و تزکیه نفس و آراسته شدن به فضائل اخلاقی و دوری از رذائل برای رسیدن به کمالات نفسانی. در مقابل اخلاق اجتماعی عبارت است از آشنایی و عمل به وظایف اجتماعی جهت دست‌یابی به یک زندگی سعادتمند و لذت‌بخش (حائزی تهرانی، ۱۳۷۳: ۳۱).

به عبارت دیگر اخلاق اجتماعی عبارت است از مسائل اخلاقی که محور آنها روابط اجتماعی انسان با دیگران و موضوع آن ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با دیگران می‌باشد. محور اصلی اخلاق اجتماعی ارتباط انسان با دیگران است و بر اساس معاشرت با افراد و زندگی اجتماعی پدید می‌آید؛ مثل احسان به دیگران، احترام یا توهین به دیگران (مصالح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۴).

بنابراین منظور از اخلاق فردی، اصولی است که صرف نظر از حیثیت اجتماعی انسان، به بیان ارزش‌های اخلاقی او می‌پردازد و اخلاق اجتماعی به بیان اصول ارزشی حاکم بر روابط اجتماعی انسان می‌پردازد.

اخلاق اجتماعی از دیدگاه سعدی

از منظر سعدی سازگاری اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز کمال مطلوب جامعه‌ی آرمانی است. او مدینه‌ی فاضله‌ای را ترسیم می‌کند که این دو از بنیانهای مستحکم شخصیت هر فرد از افراد آن جامعه است. بدین جهت در سراسر آثار خود و خصوصاً بوستان، برای نشان دادن سیمای افراد آن جامعه، از فضایل عالی و فروع انسانیت و آدمیت که بر آنان حاکم است سخن می‌گوید و عدالت، تواضع، صلح،

احسان، انصاف، همدلی و.... را به عنوان ویژگیهای افراد این جامعه‌ی مطلوب و عوامل پدیدآورنده‌ی روحیه‌ی سازگاری اجتماعی مطرح می‌نماید و در دلها شوق ساختن چنین جامعه‌ای با این ویژگیها را پدید می‌آورد(بهشتی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۷). هانری ماسه درباره‌ی او می‌گوید: «سعدي به جای آن که تفرد خطرناکی را توصیه کند، آدمی را در جمع همنوعانش مورد نظر قرار می‌دهد. اجتماع در چشم او مانند موجودی است که همیشه در حال «شدن» است و به این سبب سعدی نسبت به روزگار خود پیشرفته مینماید» (ماسه، ۱۳۶۴: ۲۰۵).

«سعدي به عنوان یک مصلح اجتماعی که همه جانبه همه‌ی مصالح اجتماعی را مطرح کرده، هیچ جهتی را به تنها بی نگرفته و قصدش واقعاً یک تربیت ساده‌ی اجتماعی بوده است»(اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

براین اساس، بسیاری از ادبیان و نقادان سعدی را معلم اخلاق دانسته‌اند «معلم اخلاقی که در اعماق ضمیر شیخ در کنار یک شاعر حسّام شورمند سر می‌کند، منادی اخوت انسانی و مبشر عدالت اجتماعی است و او این هر دو را لازمه‌ی درک درست از مفهوم انسانیت می‌داند» (زرین-کوب، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

در زیر به مهمترین اصول اخلاق اجتماعی از دیدگاه سعدی می‌پردازیم.

اصول اخلاق اجتماعی در بوستان

۱. عدالت

سعدي باب اول بوستان را به عدل اختصاص داده و علاوه بر آن در سراسر این اثر هر جا که اقتضاء نموده، باب سخن را درباره‌ی عدالت گشوده است.

که مردم ز دستت نپیچند پای	الا تا نپیچی سر از عدل و رأى
---------------------------	------------------------------

(سعدي، ۱۳۸۰: ۲۱۲)

خُنک روز محسّر تن دادگر
که در سایه‌ی عرش دارد مَقْرَ
(همان، ۲۳۱)

سعدی بر این باور است که آنچه ظالم در ظلم و ستم می‌جوید، همان را در عدل
به مردم می‌یابد:

گمانش خطابود و تدبیر سست
که در عدل بود آنچه در ظلم جست
(همان، ۲۳۳)

تو هرگز رسیدی به فریاد کس
که می‌خواهی امروز فریادرس؟
اگر بد کنی چشم نیکی مدار
که هرگز نیارد گز انگور بار
(همان، ۲۳۵)

ظلم و ستم پایدار نیست و برای ظالم به جز نام بد و لعن چیزی باقی نخواهد ماند:
چو بیداد کردی تو قع مدار
که نامت به نیکی رود در دیار
نمی‌ماند ستمکار بد روزگار
بماند بر او لعنت پایدار
(همان، ۲۴۴)

۲. تواضع و دوری از تکبر

از منظر سعدی تواضع و فروتنی، کمال والای آدمی و عامل سازگاری اجتماعی
و زندگی مسالمت آمیز است. وی باب چهارم بوستان را به تواضع اختصاص داده و
درباره‌ی اهمیت تواضع و آثار بد تکبر و خود بزرگ بینی حکایت‌ها و سخنان شیرینی
را بیان می‌کند. سعدی خلقت نخستین انسان را یادآوری نموده و نتیجه می‌گیرد که با
وجود چنین خلقتی دیگر جایی برای غرور و تکبر وجود ندارد:

زخاک آفریدت خداوند پاک
پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
(سعدي، ۱۳۸۰: ۲۹۹)

نه در ابتدا بودی آب منی؟
اگر مردی، از سر بدر کن منی
(همان، ۳۶۷)

سعدی تواضع در مقابل دیگران را باعث سربلندی انسان، و غرور و تکبر را مایه‌ی محرومیت و هلاکت او می‌داند:

تکبر به خاک اندر اندازد
تواضع سر رفعت افزادت
(همان، ۳۰۰)

که محرومی آید ز مستکبری
تکبر نکن چون به نعمت دری
(همان، ۳۷۴)

بی تردید برخورداری از روحیه تواضع، موجب می‌شود که آدمی نقاط ضعف خود را بپذیرد و در طریق استکمال و رفع عیوب خویش بکوشد:

خجل شد چو پهناي دريا بدید
يكى قطره باران ز ابرى چكيد
گر او هست حقا که من نیستم
که جايى که دریاست من کیستم؟
صف در کنارش به جان پرورید
چو خود را به چشم حقارت بدید
که شد نامور لؤلؤ شاهوار
سپهرش به جايى رسانيد کار
در نیستى کوفت تا هست شد
بلندی از آن یافت کو پست شد
(همان، ۲۹۷)

به دولت کسانی سرافراختند
که تاج تکبر بینداختند
(همان، ۳۱۲)

تکبر و خود بزرگ بینی مانع از آن می‌شود که انسان خویشتن را آنچنان که هست ملاحظه و ارزیابی کند. به بیان دیگر، بیماری خودبزرگ‌بینی مانع از شناخت «خود» است و خود بین از شناخت خدا نیز محروم است (آزادی، ۱۳۷۳: ۵۸).

خدابینی از خویشتن بین مخواه
بزرگان نکردنند در خود نگاه
خدابینی از خویشتن بین مجوى
زمغرور دنيا ره دين مجوى
(همان، ۳۰۰)

۳. حفظ زبان

سعدی در جای جای بوستان و دیگر آثارش به برشماری آفت‌ها و آسیب‌های ناشی از عدم حفظ زبان پرداخته و غفلت از این امر را سبب خدشه‌دار نمودن روابط اجتماعی می‌داند. حفظ زبان در اندیشه‌ی سعدی مقوله‌ی بسیار گسترده‌ای است و شامل تأمل و اندیشه در سخن گفتن، پرهیز از زیاده‌گویی، پرهیز از عیب‌جویی کردن، پرهیز از گفتن اسرار شخصی به دیگران و پرهیز از سخن‌چینی می‌باشد.

سعدی در باب اول و هفتم بوستان ما را به تأمل و اندیشه در سخن گفتن فرا می‌خواند و این نکته را گوشزد می‌نماید که فرد خردمند ابتدا می‌اندیشد و سپس گفتاری را بر زبان می‌آورد، زیرا کلامی که به زبان آمد، دیگر قابل بازگشت نیست:

چو گفتی نیاید به زنجیر باز
دل است ای خردمند، زندان راز
(سعدی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

نظر کن چو سوفار داری به شست
نه آنگه که پرتاب کردن زدست
(همان، ۲۱۶)

نباید سخن گفت ناساخته
نشاید بریدن نیستند اخته
(همان، ۳۴۵)

تأمل کنان در خط و صواب
به از اژاڑ خایان حاضر جواب
(همان، ۳۴۵)

به نطق است و عقل، آدمیزاده فاش
چو طوطی سخنگوی نادان مباش
(همان، ۳۴۷)

و کسی که بدون اندیشه سخن می‌گوید، در نهایت انگشت ملامت به دندان می‌گزد:

به تندي سبک دست بردن به تیغ
به دندان بَرَد پشت دست دریغ
(همان، ۲۲۱)

همچنین در مورد پرهیز از زیاده‌گویی می‌گوید:

دهان جز به لؤلؤ نکردند باز صدف وار گوهر شناسان راز
چو دانا یک گوی و پرورده گوی حذر کن زنادان ده مرده گوی
(سعدی، ۱۳۸۰: ۳۴۵)

اما در گفتار حق و سخن سودمند نباید تعلل نمود:

لب از ذکر، چون مرده بر هم مخفت که‌ای زنده چون هست امکان گفت
(همان، ۳۸۱)

و گر هیچکس را نیاید پسند بگوی آن چه دانی سخن سودمند
(همان، ۳۵۷)

یکی از آفتهای زبان، عیب جویی کردن از مردم است و سعدی در باب دوم، سوم و هفتم بوسستان این صفت را از ویژگیهای بسیار بد در افراد دانسته و دلیل آن را غافل بودن فرد از عیوب خویش می‌داند:

مکن عیب خلق‌ای خردمند فاش
به عیب خود از خلق مشغول باش
(سعدی، ۱۳۸۰: ۳۴۸)

منه عیب خلق‌ای خردمند پیش که چشم فرو دوزد از عیب خویش
تو نیزای عجب هر که رایک هنر بیینی، به ده عییش اندر گذر
(سعدی، ۱۳۸۰: ۳۶۵)

سعدی در ابیات فوق به این سخن حضرت علی(ع) نظرداشته که می‌فرمایند: خوشابه حال آن کس که عیب خودش، او را از پرداختن به عیب‌های مردم باز دارد(علی بن ابی طالب، ۱۳۷۹، ۸۵).

همچنین در جای دیگری می‌فرمایند: هر که عیب خود را ببیند، از پرداختن به عیب دیگران باز می‌ایستد(همان، ۴۲۳).

سخن چینی نیز از دیگر نتایج عدم حفظ زبان است که یک رذیلت اخلاقی محسوب شده و آسیب جدی در روابط اجتماعی به وجود می‌آورد. سعدی در ابیات زیر این ویژگی را مایه‌ی ایجاد تفرقه و خدشه دار نمودن روابط افراد می‌داند و به همین دلیل چنین افرادی را مورد نکوهش قرار می‌دهد:

سخن چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک مرد سلیم که مر فتنه‌ی خفته را گفت خیز سخن چین بدیخت هیزم است	از آن همنشین تا توانی گریز میان دو کس جنگ چون آتش است
---	--

(سعدی، ۱۳۸۰: ۳۵۵)

همچنین سعدی ما را به پرهیز از گفتن اسرار شخصی به دیگران هشدار می‌دهد و این تأکید به دلیل ناتوانی از بستن زبان مردم است. وی در بوستان می‌گوید:

ولی راز را خوییشتن پاس دار چو گفتی نیاید به زنجیر باز	جواهر به گنجینه دانان سپار دل استای خردمند زندان راز
--	---

(همان، ۲۱۸)

منه در میان راز با هر کسی
که جاسوس هم کاسه دیدم بسی

(همان، ۲۵۴)

ضمیر دل خویش منمای زود
که هرگه که خواهی، توانی نمود
ولیکن چو پیدا شود راز مرد

(همان، ۳۴۷)

به کوشش توان دجله را پیش بست
نشاید زبان بد اندیش بست

(همان، ۳۶۳)

سخن تا نگویی بر او دست هست
چو گفته شود، یابد او بر تو دست

(سعدی، ۱۳۸۰: ۳۴۶)

حضرت علی(ع) نیز در این باره می‌فرمایند: «سخن دربند تو گرفتار است، مادام که

لب بدان نگشاده‌ای. هنگامی که دهانت را باز کردی تو در بند آن گرفتاری.» (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹: ۴۳۰).

در سوره آل عمران نیز آمده است:

«ای کسانی که ایمان آورده اید محرم اسراری از غیر خودتان انتخاب نکنید، آنها از هرگونه شر و فسادی درباره شما کوتاهی نمی کنند...» (آل عمران/۱۱۸).

۴. امر به معروف و نهی از منکر

در بخش قبل به پرهیز از عیب جویی به عنوان یکی از اصول تربیت اخلاق اجتماعی از نگاه سعدی اشاره شد. اما اگر بیان عیوب دیگران اولاً با هدف اصلاح افراد صورت بگیرد و نه به قصد ریختن آبروی آنها، و ثانیاً به روش موعظه حسنی انجام شود، نه تنها به عنوان یک صفت بد قلمداد نمی شود، بلکه به یکی از فرائض دینی تبدیل می گردد که در قرآن و روایات ائمه‌ی اطهار توصیه‌های اکیدی درباره آن وجود دارد. درباره فضیلت این فریضه در سوره‌ی توبه آمده است که: «رحمت الهی شامل کسانی است که امر به معروف و نهی از منکر کنند» (توبه/۷۱).

همچنین حضرت علی (ع) در این‌باره می‌فرمایند: همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون دمیدنی است به دریای پر موج پهناور (علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹: ۴۲۹).

بر این اساس یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای اصلاح جامعه، جلوگیری از مفاسد و ترویج فضایل، امر به معروف و نهی از منکر است و خداوند از طریق این دو فریضه خواسته است که مردم را به انجام وظایف و ترک گناه ترغیب نماید. سعدی ایجاد روحیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در افراد جامعه را یکی از اصول اخلاق اجتماعی دانسته و در بوستان به اصل تربیتی فوق اشاره می‌نماید:

نصیحت که خالی بود از غَرَض
چو داروی تلخ است دفع مرض
(سعدي، ۱۳۸۰: ۲۳۷)

چه خوش گفت یک روز دارو فروش
به نزد من آن کس نکو خواه توست
هر آن گه که عیب نگویند پیش
شفا باید ت داروی تلخ نوش
که گوید فلاں خار در راه توست
هنر دانی از جاهلی عیب خویش
(همان، ۲۴۶)

۵. خلق و خوی نیکو

گشاده رویی و خلق و خوی نیکو یکی دیگر از اصول مهم اخلاق اجتماعی است
که پیدایش آن در افراد در سازگاری اجتماعی آنها و جلب دوستی دیگران و تداوم
رابطه با آنها تأثیر بسیار زیادی دارد. سعدی در بوستان به این ویژگی مهم اخلاقی و
اجتماعی پرداخته و معتقد است که با نرمی و درایت حتی دشمن را نیز می‌توان رام
کرد و شرّ و بدی او را دفع نمود:

به نرمی ز دشمن توان کرد دوست
به اخلاق با هر که بینی بساز
چو با دوست سختی کنی، دشمن اوست
اگر زیر دست است و گر سر فراز
(سعدي، ۱۳۸۰: ۳۰۸)

به لطفی که دیده است پیل دمان
نیارد همی حمله بر پیلبان
(همان، ۲۶۷)

سعدی خوی زشت را عامل ورود انسان به دوزخ دانسته و اخلاق نیکو را امری
بهشتی و آسمانی می‌داند.

به دوزخ بَرَد مرد را خوی زشت
که اخلاق نیک آمدست از بهشت
(سعدي، ۱۳۸۰: ۳۰۹)

۶. نوع دوستی و خدمت به خلق

خدمت خالصانه و صادقانه به خلق خدا از مهم‌ترین ویژگیهای انسان ایده‌آل سعدی است. از نظر او نوع دوستی و احساس مسئولیت نسبت دیگران، بدون کوشش صادقانه برای رفع گرفتاری‌های آنها بی‌معنی است. سعدی عبادت را تنها در نماز و تسبیح و سجاده نمی‌داند، بلکه خدمت صادقانه به خلق را نیز از بهترین عبادات تلقی می‌کند (آزادی، ۱۳۷۳: ۶۴).

به تسبیح و سجاده و دلّق نیست	طریقت بجز خدمت خلق نیست
(سعدی، ۱۳۸۰: ۲۲۶)	

گزیند بر آسایش خویشن	خنک آن که آسایش مرد و زن
به شادی خویشن از غم دیگران	نکردن رغبت هنر پروران
(همان، ۲۵۵)	

۷. تغافل

سعدی در ابیات زیر به یکی دیگر از اصول اخلاق اجتماعی یعنی تغافل و بخشش افراد اشاره می‌نماید که در حفظ عزّت نفس و دور کردن آنها از کارهای زشت و ناپسند و تداوم ارتباطات اجتماعی بسیار مؤثر است. لذا توصیه می‌کند که اگر از کسی گناهی سر زد، باید از خشم دوری کرد و در عقوبت آن تعجیل ننمود:

تأمل کنش در عقوبت بسی	چو خشم آیدت بر گناه کسی
شکسته نشاید دگر بار بست	که سهل است لعل بدخسان شکست
(سعدی، ۱۳۸۰: ۲۱۵)	

چو آب است بر آتش مرد گرم	غرض زین حدیث آن که گفتار نرم
که نرمی کند تیغ برنده کند	تواضع کن‌ای دوست با خصم تند

بَدِی را بَدِی سَهْل باشَد جَزا
اگر مردی أَحَسِنَ إِلَی مَنْ أَسَا
(همان، ۲۷۴)

عجَبٌ نَاید از سَیرَت بَخْرَدَان
کَهْ نِیکَی کَنَند از کَرَم بَا بَدَان
(همان، ۳۱۸)

سَعْدِی ما را از خَشْمَ گَرْفَتْنَ بَهْ دِیگَرَان باز مَی دَارَد زَیرَا خَشْمَ بَیَش از حد روابط
اجتماعی را مخدوش می‌نماید و باعث دوری و گریز افراد می‌گردد :

تَحْمِلْ كَنَد هَرَكَه رَأْعَلْ هَسْت
نَهْ عَقْلِی کَهْ خَشْمَشْ كَنَد زَیرَ دَسْت
(همان، ۲۲۱)

اگر تَنَد باشَی بَهْ یَكْبَار و تَیَّز
جَهَان از تو گَيْرَنَد رَاه گَرِیز
(همان، ۳۴۶)

امام سجاد (ع) در این باره می‌فرمایند: سامان یافتن همه‌ی امور زندگی و صلاح
روابط اجتماعی چون محتوای پیمانه‌ای است که دو سوم آن زیرکی و یک سوم آن
تغافل است (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

۸. دستگیری و احسان

احسان مفهوم گسترده‌ای دارد؛ که یکی نیکی کردن به غیر است. در گستره احسان،
عنایینی چون انفاق، دستگیری، همکاری و تعاون، کمک به مؤمن و... رخ نمائی
می‌کند.

از نظر سعدی والایی و شرافت آدمی به احسان و نیکوکاری است، چنان‌که اگر
کسی سودش به دیگران نرسد و از روحیه‌ی انفاق و احسان برخوردار نباشد و تنها در
بند آسایش خویش باشد، از انسانیت بی بهره است. از این‌رو باب دوم بوستان را به
احسان اختصاص داده، می‌گوید:

<p>زرش بود و یارای خوردن نداشت نه دادی، که فردا به کار آیدش... زیهر نهادن چه سنگ و چه زر... الطلسمی است بالای گنجی مقیم (سعدی، ۱۳۸۰: ۲۷۶)</p> <p>نگه می‌چه داری زیهر کسان (همان، ۲۶۰)</p> <p>که این کسب خیر است و آن دفع شر (همان، ۲۵۹)</p> <p>برِ نیکنامی خوری لاجرم (همان، ۳۱۲)</p> <p>به احسان توان کرد و وحشی به قید (همان، ۲۶۶)</p> <p>سعدی انسانهایی را که فقط به دنبال منفعت خویش هستند و به دیگران نظر ندارند، با سنگ خارا یکسان دانسته بلکه پست تراز سنگ می‌داند، چراکه در سنگ و آهن و روی نیز نفع و سودی وجود دارد: اگر نفع کس در نهاد تو نیست که نفع است در آهن و سنگ و روی (همان، ۲۳۴)</p> <p>همچنین سعدی باب اول بوستان را با این بیت آغاز می‌کند که:</p> <p>به هرمز چنین گفت نوشیروان نه دریند آسایش خویش باش (سعدی، ۱۳۸۰: ۲۱۱)</p>	<p>یکی زَهره‌ی خرج کردن نداشت نه خوردنی، که خاطر بر آسایدش زر از بهر خوردن بودای پدر بخیل توانگر به دینار و سیم خور و پوش و بخشای و راحت رسان</p> <p>بد و نیک را بذل کن سیم و زر</p> <p>و گر پرورانی درخت کَرم</p> <p>بیخشای پسر که آدمیزاده صید</p> <p>سعدی انسانهایی را که فقط به دنبال منفعت خویش هستند و به دیگران نظر ندارند، با سنگ خارا یکسان دانسته بلکه پست تراز سنگ می‌داند، چراکه در سنگ و آهن و روی نیز نفع و سودی وجود دارد: اگر نفع کس در نهاد تو نیست که نفع است در آهن و سنگ و روی (همان، ۲۳۴)</p> <p>شئیدم که در وقت نزع روان که خاطر نگهدار درویش باش</p>
--	---

۹. اکرام به مهمان و غریب نوازی:

سعدی معتقد است که انسان‌های بزرگ مهمان و مسافر را عزیز می‌شمرند و آن‌ها را از رحمت خویش نامید نمی‌سازند:

که نام نکویی به عالم برند	بزرگان مسافر به جان پرورند
وز آسیشان بر حذر باش نیز	نکو دار ضیف و مسافر عزیز

(سعدي، ۱۳۸۰: ۲۱۳)

مبادا که گردی به درها غریب	مگردان غریب از درت بی نصیب
----------------------------	----------------------------

(همان، ۲۵۶)

بدار و دهنند آبش از شهر خویش	غريبي که رنج آرخش دهر پيش
------------------------------	---------------------------

(همان، ۳۶۸)

نتیجه‌گیری

راز بزرگواری و ماندگاری سعدی علاوه بر شیوه‌ی سخن‌سرایی و نویسنده‌گی او، در امتزاج ارزش‌های انسانی و اخلاقی و اجتماعی است. هم ظرف ممتاز است و هم مظروفها پربها. اخلاق و تربیت اخلاقی افراد جامعه، محور اندیشه و سخن سعدی است.

سعدی در «بوستان»، تجربیات و اندیشه‌های خود را هنرمندانه و استوار با زبان بسیار شیوا و روان و با بیانی متفکرانه مطرح می‌کند و به نشر فضایل اخلاقی و اندیشه‌های اجتماعی می‌پردازد. وی در این اثر مدیته‌ی فاضله‌ای را ترسیم می‌کند که افراد آن جامعه، از فضایل عالی و فروغ انسانیت و آدمیت برخوردارند و با عمل نمودن به اصول اخلاق جمعی در جهت نیل به سعادت واقعی می‌کوشند. آن‌چه در این گفتار مورد بحث و بررسی قرار گرفت اندیشه‌های سعدی در کتاب بوستان

درباره اصول اخلاق اجتماعی بود. در جمع‌بندی نهایی این اصول در هشت محور با عنوانیں عدالت، تواضع، حفظ زبان، امر به معروف و نهی از منکر، خلق و خوی نیکو، نوع دوستی و خدمت به خلق، تغافل و دستگیری و احسان دسته‌بندی گردید. اصل دوم یعنی حفظ زبان در اندیشه‌ی سعدی مقوله‌ی بسیار گسترده‌ای است و خود شامل تأمل و اندیشه در سخن، پرهیز از زیاده‌گویی، پرهیز از عیب‌جویی کردن، پرهیز از گفتن اسرار شخصی به دیگران و پرهیز از سخن‌چینی می‌باشد که در هر مورد برای اجتناب از اطاله‌ی کلام به ذکر چند بیت از بوستان بسنده شد. رعایت اصول فوق از سوی افراد، جامعه را به سوی سازگاری و همزیستی مسالمت آمیز سوق می‌دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتمال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
- ۱- آزادی، محمد کریم، تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، چاپ اول، انتشارات رهگشا، ۱۳۷۳.
- ۲- اسلامی ندوشن، محمد علی، چهار سخنگوی و جدان ایرانی، تهران: قطره، ۱۳۸۱.
- ۳- بهشتی، محمد و همکاران، آراء دانشمندان مسلمان درباره‌ی تربیت و مبانی آن، ج ۴، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۴- حائری تهرانی، مهدی، بنیادهای اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- ۵- حسن لی، کاووس، شیرین‌تر از قند، تهران: اهل قلم، ۱۳۸۱.
- ۶- دشتی، علی، در قلمرو سعدی، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا، بی‌تا.
- ۷- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: کوتمبرگ و جاویدان خرد، ۱۳۷۰.
- ۸- زرین‌کوب، عبدالحسین، حدیث خوش سعدی، تهران: سخن، ۱۳۸۶.
- ۹- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله، بوستان سعدی (سعدی نامه)، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۸۴.
- ۱۰- کلیات، به تصحیح محمد علی فروغی، چاپ دوم، تهران: میلاد، ۱۳۸۰.
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۹، چاپ نهم، قم: دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۱۲- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، چاپ هفتم، قم: انتشارات فراهانی، ۱۳۸۵.
- ۱۳- علی بن ابی طلب(ع)، نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ نوزدهم،

تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.

۱۴- ماسه، هانری، تحقیق درباره‌ی سعدی، غلامحسین یوسفی و محمد حسن مهدوی اردبیلی، تهران: توسع، ۱۳۶۴.

۱۵- مؤید شیرازی، جعفر، سیمای سعدی، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۶- محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سرہ)، ۱۳۸۰.

۱۷- موحد، ضیاء، سعدی، ج ۲، تهران: انتشارات طعنر، ۱۳۷۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتوال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
برتری جامع علوم انسانی